

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد  
۰۲ اپریل ۲۰۲۲

## برآیند جنگ اوکراین

جنگ و جنایت در اوکراین به هر حالت محکوم است. مصرفش تخریب زیرساختها، آوارگی مردم، سوجدوئی و سلطهجوئی غارتگران جهانیست. مقصود اعمال هژمونی و مقابله با سیاستهای جناحهای رقیب امپریالیستیست. تفسیر و تعریفی به غیر از موارد فوق، در تقابل با منفعت میلیاردها انسان دردمند و تحت‌ستم است. دربه‌دردی محروم‌ترین اقشار جامعه از خانه‌های غیراستاندارد و ناامن، و به دنبال تحمل بار مصائب و مشکلات اقتصادی - اجتماعی، نماد و تحمیل سیاست‌های جامعه سرمایه‌داری به دنیای بشری است. پیداست که دولت‌مردان، جهان را به جنگ رقابت‌ها تبدیل کرده‌اند تا در ازاء آن، سودهای چندگانه به جیب بزنند؛ دلک‌هائی همچون زلنسکی و امثالهم را به وسط میدان می‌اندازند تا تنور جنگ، ویرانی زیرساخت‌ها و نیز زندگی مشقت‌بار بیش از پیش مردم را فراهم کنند.

جنگ در اوکراین از چنین ممیزه‌هائی برخوردار است و تردیدی نیست که بانیان و مسببان دربه‌دردی مردم، در فکر آند تا نظام مطابق با جهان سرمایه‌داری را بروز کنند. «خسارات [تابه‌حال] ۵۶۵ میلیارد دالری و تخریب ۸ هزار کیلومتر جاده و ۱۰ میلیون مترمربع به مناطق مسکونی و دیگر اماکن عمومی ...»، برآیند سیاست‌های جنگی قدرت‌مداران بزرگی همچون امریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان، روسیه و عناصر گوش به‌فرمانی همچون زلنسکی است. این اولین بار نیست که دنیا با چنین موارد زیان‌آور رودررو است. خصوصاً و بعد از فروپاشی کامل اتحاد جماهیر شوروی، امپریالیست‌ها در چهارچوب «برقراری نظم نوین جهانی» و «خاورمیانه بزرگ»، ده‌ها جنگ را زیرنام دفاع از "حقوق" مردم، "برقراری دموکراسی" و "مبارزه" با دیکتاتورها و غیره سازمان داده‌اند تا [جدا از پاسخ‌گوئی به سیستم و مناسبات فرتوت سرمایه‌داری]، جنبش‌های اعتراضی و رادیکال احتمالی را تارومار کنند. همه جنگ‌ها در چنین راستا و با چنین منطقی شکل گرفته است و در تقابل، حضور و مخالفت‌های میلیونی، مخالفان جنگ‌های امپریالیستی در گوشه‌های متفاوت جهان هم، نمودار این واقعیات است که کارگران و زحمت‌کشان، نه تنها با طبیعت و با کلام برپاکندگان جنگ‌های امپریالیستی بیگانه نیستند، بلکه در بخش‌های جوراجور، ثمره آن‌ها را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند. همواره و قبل از آغاز جنگ [به‌مانند جنگ اوکراین] رسانه‌های فاسد و نیرنگ‌باز سرمایه‌داران، سازمان‌یافته بصف می‌شوند و با دُروغ‌گوئی تمام اذهان عمومی را سازمان دهند. خبرها یک‌جانبه و تهوع‌آور، بعضاً پخش تصاویر و تخریب ساختمان‌ها دست‌کاری شده، کهنه و غیرواقعی، مصاحبه‌ها دست‌چین شده و خلاصه نیت سوء و کلاشی بانیان چنین وضعیتی را براحتی می‌شود از رسانه‌های امپریالیستی و همچنین از سوهای متفاوت درگیر با جنگ به‌عینه دید. زیرا که زیربنای منطق و طبیعت سرمایه‌داران با منفعت جناحی پی ریخته شده است و کاری به منطق و به

طبیعت اکثریت عظیم جامعه ندارند. همه آنها حقیقتاً و همه آنها مکار و دغل‌کارند؛ سر همه آنها و از جمله زلنسکی به بالا وصل و در تضاد با پائین‌اند. هیچ‌یک از آنان ربطی به مردم ندارند و همه کوشش‌شان در اجراء و در همراهی با سیاست‌های جنگی امپریالیستی در سرزمین‌هایی همچون اوکراین است. پس بی‌جهت بلندگوها و رسانه‌های تبلیغاتی متفاوت امپریالیستی این‌روزها از یک‌طرف چهره مکار مولدین جنگ همچون "بایدن" را بزک و از طرف‌دیگر زلنسکی را به‌عنوان "ناجی" و "قهرمان" مردم اوکراین به بیرون معرفی می‌کنند. کاملاً محرز است که زلنسکی به‌مانند دیگر سردسته حکومت‌های سرمایه‌داری، منتخب مردم نیست و از دل تضادها، و از دل جناح‌های رقیب امپریالیستی [در سال ۲۰۱۹] سر در آورده است؛ زلنسکی نتیجه نظر و خواست میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش، زن، مرد و جوان نیست و بسا که وظیفه‌اش، تعقیب سیاست‌های جناح‌های رقیب امپریالیستی در اوکراین است. کُشتار هزاران انسان بی‌گناه در منطقه «دونباس»، دستگیری و حمله به کمونیست‌ها، مخالفان و بستن رسانه‌های مخالف در اوکراین، به‌غیر از پیدائی ماهیت و توضیح جایگاه حقیقی وی در قبال حقوق پایه‌ئی توده‌های ستمدیده اوکراین نیست.

در هر صورت سناریوی جنگ اوکراین به‌مانند دیگر جنگ‌های امپریالیستی، در بستر چنین اسکلت و سیاستی شکل گرفته و نوشته شده است و در یک کلام صحیح نیست آن را به حساب جنگ مردم با مسببان وضعیت کنونی گذاشت. زیرا که استخوان‌بندی و مضمون جنگ مردم، با جنگ‌های سازمان‌داده شده نظام‌های سرمایه‌داری متضاد از هم است. از یک‌طرف مثالی همچون بایدن و زلنسکی و دیگر شرکای‌شان مردم را وارد جنگ ناخواسته و آواره می‌کنند و از طرف‌دیگر قیافه انسان‌دوستی به‌خود می‌گیرند؛ جنایت و وحشی‌گری را به‌طرق مختلف بر سر بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها اعمال می‌کنند تا به‌قول خویش طاق "دیکتاتور"ها را بر سرشان خراب کنند!! همان‌گونه که پیش‌تر و در "[نگاهی از بیرون به تعارض اوکراین](#)" آمده است، فلم‌نامه‌ها مشابه و فقط مکان‌ها و بازیگران قابل جابه‌جا هستند. پس جنگ در اوکراین، جنگ یک‌درصدی‌های جامعه است؛ یک‌درصدی‌هایی که به برکت زور و سلاح، جهان را پُر از جنگ‌های ویران‌ساز کرده‌اند تا قدرت پائینی‌ها را کنترل کنند. این دنیائی‌ست که جنگ‌طلبان به سازندگان اصلی جامعه تحمیل کرده‌اند؛ دنیائی که مولد تشنج هرچه بیشتر، کینه‌توزی‌های تازه‌تر، نفرت‌پراکنی غیر قابل تصور، تفرقه و برتری نژادی، که بی‌گمان نمونه‌های آنها را نه تنها در اوکراین بلکه در کشورهای به‌اصطلاح پیش‌رفته و حامی حقوق شهروندی و امثالهم، می‌توان بروشنی مشاهده کرد. به‌عنوان نمونه شبکه تلویزیونی "آر تی ال" المان گزارش داده است که "یک کلینیک درمانی به‌نام «لاتروس» در شهر مونیخ از پذیرش اتباع کشورهای روسیه و بلاروس به‌دلیل تحولات اوکراین خودداری کرده است". به‌دنبال "آر تی ال" و از یک کلینیک خصوصی در مونیخ گزارش می‌دهد که: "خدمات خود را به بیماران روسی و بلاروسی ارائه نخواهد داد و در حمایت از مردم اوکراین و از این‌پس تا اطلاع ثانوی شهروندان روسیه و بلاروس را درمان نخواهیم کرد".

تعفن، بی‌حرمتی، تخم‌نفاق طبقه سرمایه‌داری را با عربانی تمام می‌شود در گزارش و در جملات تنظیم شده کلینیک مونیخ المان دید و خواند. جامعه و دولتی که به‌همراه دیگر جوامع و دولت‌های امپریالیستی مبلغ کینه‌توزی، کُدرت‌ها و دامن‌زدن به تفاوت رنگ و پوست، نژاد و ملیت‌های متفاوت است!! به‌همان میزانی که سرمایه‌داران در دُروغ‌گویی و در کلاشی بی‌نظیر هستند، به‌میزانی به‌مراتب بیشتر، خواهان تشنج و درگیری‌های خونین بین کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان دولت‌های امپریالیستی در گوشه‌های متفاوت جهان‌اند. تهوع‌آورند و کاروبار روزانه‌شان تشنج و چند دستگی و نیز گوشت دم توپ قرار دادن توده‌های دردمند است. مقصد و مقصودشان چنگ‌اندازی بیش‌تر ثروت‌های دیگر جوامع، و به‌موازات آن کنار زدن جناح‌های رقیب است. جنگ رقابت بین خودی‌هاست و بنابراین تا زمانی‌که سیستم و مناسبات سرمایه‌داری در اقصا نقاط جهان بردوام است، جامعه انسانی لحظه‌ای از تشنج و کُدرت‌ها در امان

نخواهد ماند؛ تا زمانی که سرمایه‌داران در قدرت‌اند، جنگ‌های مخرب و خانمان‌سوز به پایان نخواهند رسید و به‌دلائل، و به بهانه‌های متفاوت میدان‌های تازمتری از تخریب‌خانه و آواره شدن مردم را سازمان خواهند داد؛ تا زمانی که بر سر کار هستند کارخانه‌های تسلیحاتی با شتاب هرچه بیش‌تری ابزار و آلات‌گشونده تولید و جان‌بیش‌تری از محرومان را خواهند گرفت. تسلیحاتی که خلاف هزینه‌گویی‌هایشان در خدمت به رهایی از زیر ستم و تحقق آزادی‌های به اسارت گرفته شده مردم نیست. بی‌دلیل نیست که جدا از افزایش بودجه‌های کلان نظامی، تا به حال میلیاردها دلار به حساب دولت‌هایی همچون دولت اوکراین واریز کرده‌اند تا شعله‌های جنگ را برافروخته و زیرساخت‌های جامعه را تخریب کنند. تأیید کمک مالی تا سقف ۱۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری اخیر توسط کنگره آمریکا به اوکراین، و همچنین ارسال ابزار و آلات نظامی از سوی دولت‌های انگلستان، آلمان، کانادا، فرانسه و دیگر شرکای امپریالیستی، و نیز حمایت‌های مالی هنگفت به دسته‌جات ارتجاعی و جانی، نمایان‌گر خواست و نگرش سرمایه‌داران در جنگ اوکراین است. در چنین راستائیست که بایدن در سفر اخیر خود و در جلسه ناتو اعلام کرده است: "جنگ در اوکراین طولانی خواهد بود و می‌باید مردم خود را با شرایط تازه و برای دفاع از سرزمین و مقابله با روسیه آماده کنند". یعنی این‌که از هم‌اکنون ساز بی‌انتھائی جنگ در اوکراین را کوک کرده‌اند و نوید طولانی بودن آن را سر داده‌اند؛ یعنی این‌که چشم‌اندازی در برگشت به وضعیت پیشین نیست؛ این‌ها نگرش و مقصود امپریالیسم آمریکا و دیگر شرکایش در قبال صلح‌خواهی و نیازهای بدیهی میلیون‌ها انسان دردمند و صدمه‌دیده است. بی‌علت نبوده است که بیش از ۳ دهه امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو هم‌زمان با اختصاص کمک‌های مالی - نظامی به دولت فاسد اوکراین، اقدام به راه‌اندازی و آموزش دار و دسته‌های مسلحی همچون "گردان آروف" کرده‌اند تا کمونیست‌ها و توده‌های محروم را سلاخی کنند. حمله و گشتار بی‌رحمانه به مردم «منطقه دونباس» و نیز کشف گورهای دسته‌جمعی، برپائی زندان‌های مخوف، چیزی جز اهداف شوم و سوءنیت دولت آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو در سرزمین غیر خودی و [آن‌هم] پُر از ثروت و منابع نیست.

خلاصه امپریالیست‌ها به سردگی امپریالیست آمریکا، ناامنی و دامنه جنگ در سرزمین اوکراین را پهن‌تر کرده‌اند تا خواسته‌های سیاسی - اقتصادی‌شان را پی گیرند؛ جنگ ناخواسته و ناعادلانه دیگری را سازمان داده‌اند تا جناح‌های رقیب را پس زنند؛ دارو دسته‌های فاشیستی، ناسیونالیستی و افراطی همچون "میهن‌پرستان اوکراینی" و گروه نئونازی "شورای اجتماعی ملی" را علم کرده‌اند تا مانع یگانگی مردم و نیز برآمدن جنبش‌های اعتراضی و رادیکال آتی گردند. مسلم است که جامعه اوکراین به‌مانند دیگر جوامع جنگ‌زده، جامعه معادل با خواست مردم دردمند نیست؛ مسلم است که جنگ کنونی، جنگ مردم نیست و سودش به جیب کمپانی‌های اسلحه‌سازی، راه و پُل و ساختمان‌سازی وابسته به دولت‌های امپریالیستی خواهد رفت و خلاف عقاید رسانه‌ها و بلندگوهای مسموم‌شان، به درد بشریت و به درد سازندگی جامعه نمی‌خورد؛ هدف، تخریب طاق‌های حاکمان زورگو و قدرت‌طلبان نیست. زیرا که همه سوار بر قطار واحد هستند و گردن‌کشی‌هایشان، بر سر راندن قطار و هدایت بهتر جهان سرمایه‌داری است.

با این عبارات، یکره در برابر دنیای متعلق به آرمان و افکار میلیاردها انسان زحمت‌کش قرار دارد و آن‌هم، بی‌باوری به خبرهای مخابره شده، خط‌مرزهای عملی و آگاهانه از رسانه‌های متعلق به امپریالیست‌ها و به‌موازات آن‌ها، ارائه تصویر درست از ماهیت تشنج‌ها و دولت‌هایی همچون آمریکا، روسیه، آلمان، انگلستان، فرانسه و دلک‌هایی همچون زلنسکی در اذهان عمومی است. وظیفه بر آن است تا دُورغ‌گویی‌ها و بانیان تشنج در سرزمین اوکراین را برملا و دنیای انسانی را از دلائل جدل‌های امپریالیستی مطلع ساخت. در ادامه نمی‌شود [و در حقیقت صحیح نیست تا در رقابت‌ها و در بگومگوهای امپریالیستی] به تطهیر یک‌سر پرداخت و سر دیگر را محکوم کرد. چرا که هر دو سر

بناحق و هر دو سر، در چپاولِ ثروت‌ها و منابع طبیعی، و نیز در سرکوب و در دستگیری کمونیست‌ها، مبارزان، مخالفان و جنبش‌های اعتراضی یکجور هستند و کمترین تفاوتِ بُنیادی از یکدیگر ندارند. همه آن‌ها و علی‌رغم اختلافات بی‌مایه، در تقابل با رشد و بالندگی جامعه و تقسیم ثروت بین مردم هستند. تنها در جامعه زیر سلطه کارگران و سایر زحمت‌کشان است که، رسانه‌ها مبلغ راست‌گویی و همچنین ثروت‌های جامعه بین سازندگان اصلی آن تقسیم و همه، با اتحاد و با یگانگی هر چه بیشتر، در ساختن آینده بهتر تلاش خواهند کرد. این سیمای واقعی جهان انسانی و نیز خواستِ باطنی صدمه‌دیدگان جنگ‌های امپریالیستی و به‌خصوص کارگران و زحمت‌کشان اوکراین است.

۰۱ اپریل ۱۲/۲۰۲۲ فروردین [حمل] ۱۴۰۱